

## بمناسبت ۱۴۰ - مین سالگرد تولد ولادیمیر ایلیچ لنین انقلابی نابغه

برگردان: ا.م. شیری

منبع: <http://moskva-vkpb.ru/>

«لنینیسم، یعنی مارکسیسم دوران امپریالیسم و انقلابات پرولتری. بعبارت دقیقتر: لنینیسم یعنی نظریه و بطور کلی تاکتیک انقلاب پرولتری، با خصوصیت بارز نظریه و تاکتیک دیکتاتوری پرولتاریا».

ی. و. استالین

ولادیمیر ایلیچ لنین (اولیانوف)، نابغه بشری، رهبر زحمتکشان جهان، بنیانگذار و رهبر حزب سوسیال-دمکرات کارگران روسیه (ح. س. د. ک.)، حزب کمونیست بلشویکهای انقلابی، حزب پیشآهنگ، رهبر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، بنیانگذار اولین کشور کثیرالملله کارگران و دهقانان در جهان- اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، در ۲۲ آوریل سال ۱۸۷۰ دیده به جهان گشود (دوم اردیبهشت ۱۲۴۹ هجری شمسی. م.).

و. ای. لنین یکی از متفکران برجسته ای بود که، تاریخ همه قرون و اعصار متمدنی بشری به دنیا ارزانی داشت. فیلسوف بزرگ، اقتصاددان، تاریخدان دقیق، آگاه به علوم طبیعی و فرهنگ شناس، صاحب ذوق و قریحه ادبی فوق العاده، انسانی با قدرت پیش بینی پیامبرگونه، با شعور بی نظیر و دارای توانائی نادر در تشخیص حوادث و تحلیل آنها.

تاریخ تمدن بشری هیچ انسان دیگری را بیاد ندارد که به اندازه لنین چنین تأثیر عظیمی بر سرنوشت خلقها و روند تاریخ جهانی گذاشته باشد. شخصیت نابغه ای متفکر را آثار متعدد او که بلحاظ وسعت انتشار جایگاه دوم را پس از انجیل در طول بیش از دو هزار سال نشر مداوم آن احراز می کند، نشان می دهد. هر چند که دهه های زیادی از زمان فعالیتهاى انقلابی پرشور ولادیمیر ایلیچ می گذرد، آثار تنوریک داهیان و غنی او تا امروز هم مهمترین منبع دانشهای بنیادی و پاسخهای علمی به مبرمترین مسائل سیاسی و عملی امروز و فردا بحساب می آید. لنین، امروز هم بعنوان دانشمند نابغه، محقق برجسته و در عین حال، بعنوان یک رهبر انقلابی در پیشاپیش توده ها در حرکت است.

لنین، نابغه انقلاب، استراتژی آن و استاد ماهر رهبری انقلاب بود. در حادثترین پیکارهای طبقاتی دوران جدید، دوران امپریالیسم و انقلابهای پرولتری، لنین در پیشاپیش توده های خلق، به نیروی پایان ناپذیر آنها عمیقاً باور داشت. او، بهتر از هر کس دیگری می توانست وظیفه اصلی را تعیین نموده، بطور فشرده و روشن تنظیم کند و با تکیه بر توان حزب و دولت، بر روی انجام آن تمرکز نماید.

لنین فعالیتهای انقلابی خود را بر شالوده مارکسیسم استوار ساخت، هر کسی را که در حرف خود را مارکسیست می نامید، بیرحمانه افشاء می کرد و عملاً او را اصلاح می کرد. ولادیمیر لنین، مارکسیسم را از هر گونه انحرافات اپورتونیستی پاک کرد و نظریه مارکسیستی را با نظریات و استنتاجهای نوین غنا بخشید، با بهره گیری از تجارب دوران جدید، بر اندوخته های فکری مارکسیسم افزود، رشدیافتگی مارکسیسم را تأمین کرد و آن را به جایگاه نوینی ارتقاء داد.

استواری ایدئولوژیکی و اصولیت عالی، سازش ناپذیری با اپورتونیسم و رد مصالحه با آن، وجه تمایز لنین بود. لنین می گفت: «**یگانه سیاست درست یعنی سیاست اصولی**». لنین با دفاع از اصول مارکسیسم و بدون هراس از شنا بر خلاف جریان، در مقابل اشخاصی که مارکسیسم را تغییر می دادند، قاطعانه می ایستاد. مبارزه اصولی ولادیمیر ایلیچ لنین برای تثبیت اصول مارکسیسم در جنبش کارگری، خط سرخی است که در سراسر تاریخ سوسیال-دمکراسی روس و جنبش جهانی کمونیستی ادامه می یابد. ولادیمیر ایلیچ لنین، با موضعگیری بر علیه «ستونهای» سوسیال-دمکراسی روس و انترناسیونال دوم، علیرغم اینکه بارها در اقلیت می ماند، عمیقاً به

پیروزی مارکسیسم باور داشت. او می گفت: «این فاجعه نیست. زیرا، تنها موضع درست، موضع بلشویکهاست و در اقلیت ماتدن ما، ما را به میلیونها تبدیل خواهد کرد».

ولادیمیر ایلیچ لنین، ضمن دفاع از صحت مارکسیسم، در عین حال، در مقابل انجماد فکری قاطعانه موضع می گرفت و تأکید می کرد که مارکسیسم دگم نیست، بلکه راهنمای عمل است. لنین با دعوت به درک ماهیت مارکسیسم و توانائی کاربست اصول عام مارکسیسم در تجزیه و تحلیل شرایط مشخص تاریخی، می گفت: «مارکسیسم عبارت است از توانائی تعیین اینکه کاربست کدام سیاست در این و یا آن شرایط ضروری است».

ویژگی لنینیسم، روحیه انقلابی و مبارزاتی آن است و آن ثمره انقلاب پرولتری بود که در جریان پیکار شدید با اپورتونیسیم، یعنی، شرط لازم برای پیروزی بر سرمایه داری تحکیم یافت. لنین می گفت: «همه مبارزه حزب ما (و بطور کلی جنبش کارگری اروپا) باید بر علیه اپورتونیسیم معطوف شود. این، یک جریان سیاسی نیست؛ یک گرایش نیست؛ این (اپورتونیسیم)، اکنون به سلاح سازمانیافته بورژوازی در درون جنبش کارگری تبدیل شده است» (مجموعه کامل آثار، جلد ۴۹، ص. ۱۰۶-۱۰۷).

دقیقاً ولادیمیر ایلیچ لنین جنبش کمونیستی (در آن دوره- سوسیال دمکراسی) را به مسیر مبارزه انقلابی هدایت کرد. دیگر احزاب پرولتری طراز نوین انقلابی نیز همین راه دشوار مبارزه ایدئولوژیک- نظری با احزاب رنگارنگ اپورتونستی، مثل اکونومیستها، منشویکها، انحلال طلبان، تروتسکیستها، سوسیال- شوونیستها و دیگر جریانات اپورتونستی در جنبشهای کارگری و کمونیستی روسیه را در جهان هم طی کردند. بدون رهائی از زیر تأثیر اپورتونیسیم، نمی توان از حمایت توده های میهن خود برخوردار شد و انقلاب ظفرمند را به انجام رساند.

پیوند مستحکم بلشویکها با جنبش کارگری، با مبارزه طبقه کارگر و توده های زحمتکش برای آزادیهای اجتماعی و ملی، عامل تعیین کننده در پیروزی بر اپورتونیسیم بود. لنین می گفت: «اگر می خواهیم سوسیالیست بمانیم، وظیفه ماست هر چه بیشتر به میان توده ها برویم. و این است همه مفهوم مبارزه با اپورتونیسیم و کل مضمون این مبارزه» (مجموعه کامل آثار، جلد ۳۰، ص. ۱۷۸).

لنین در آثار برجسته خود مانند؛ «چه باید کرد؟»، «یک گام به پیش، دو گام به پس»، «دو تاکتیک سوسیال- دمکراسی در انقلاب دمکراتیک»، «ماتریالیسم و امپیریوکریتیسیسم» (Ampiryokritisism = اصالت تجربه) و بسیاری دیگر، بنیانهای ایدئولوژیکی، تشکیلاتی، تاکتیکی و نظری حزب مارکسیستی را تبیین کرد.

ولادیمیر ایلیچ لنین از احزاب کمونیست می خواست نه در حرف، که در عمل، پیشاهنگ توده ها باشند، هدایت مبارزات توده ای را بیاموزند، پیوندهای خود با توده ها را تحکیم بخشند و مبارزه آنها برای احقاق حقوق خود را سازماندهی نمایند. او می نویسد: «خود را پیشاهنگ، گردان پیشرو نامیدن مشکل نیست. باید چنان اقدام کرد که همه گردانهای دیگر هم ببینند و مجبور شوند اعتراف کنند که ما در پیشاپیش حرکت می کنیم» (مجموعه کامل آثار، جلد ۶، ص. ۸۳ - ۸۴).

ولادیمیر ایلیچ لنین می آموزد که حزب پرولتاریا بدون انضباط پولادین، نمی تواند در انقلاب پیروز شود. «حزب، با وحدت سازمانی خود حزب شناخته می شود و هر کسی که به این انضباط پایبند نباشد، آن را رعایت نکند، به تصمیمات آن بی اعتنائی کند، نمی تواند عضو حزب شمرده شود. این است اصل پایه ای» (مجموعه کامل آثار، جلد ۲۴، ص. ۱۰۳). «وحدت بدون تشکیلات ممکن نیست و تشکیلات بدون تبعیت اقلیت از اکثریت ممکن نیست» (مجموعه کامل آثار، جلد ۲۵، ص. ۱۷۷).

ولادیمیر ایلیچ لنین می نویسد که نظریه دیکتاتوری پرولتاریا، مهمترین مسئله مارکسیسم است. رهبران اپورتونیسیت انترناسیونال دوم، مخالف سرنگونی انقلابی حاکمیت بورژوازی بودند و به تئوری فراروئی مسالمت آمیز سرمایه داری به سوسیالیسم اعتقاد داشتند. او در اثر مشهور خود «دولت و انقلاب» بر مبنای تعلیمات مارکس و انگلس در مورد دولت، ثابت می کند که، «تغییر

دولت بورژوازی به دولت پرولتری، بدون قهر انقلابی که در نتیجه آن دیکتاتوری پرولتاریا برقرار می شود، ممکن نیست» (مجموعه کامل آثار، جلد ۳۳، ص. ۲۲). «همه انقلابهای پیشین، موجب تکامل ماشین دولتی شدند، ولی، باید آن را در هم شکست، از هم گسیخت. این است مفهوم کلی آموزش مارکسیسم در باره دولت» (همانجا، صفحه ۲۸). لنین تأکید می کرد: «ماهیت آموزش مارکسیسم در باره دولت را فقط کسی درک می کند و می فهمد که دیکتاتوری یک طبقه نه تنها بطور کلی برای هر گونه جامعه طبقاتی، نه فقط برای پرولتاریا که بورژوازی را به زیر می کشد، حتی برای یک دوره کامل تاریخی که سرمایه داری را از «جامعه بی طبقه»، از «کمونیسم» جدا می کند، الزامی است» (همانجا، صفحه ۳۵). او تأکید می کند: «حرکت بسوی تکامل، یعنی، بسوی کمونیسم، از دیکتاتوری پرولتاریا می گذرد و از راه دیگری هم نمی توان رفت. زیرا در هم شکستن مقاومت سرمایه داران- استثمارگران، بکمک هیچ کس و از هیچ طریق دیگری امکان پذیر نیست» (همانجا، صفحه ۸۸).

لنین ضمن انطباق مارکسیسم با شرایط تاریخی جدید، از ارتقاء سرمایه داری به مرحله امپریالیستی خود، چنین نتیجه می گیرد که پیروزی انقلاب سوسیالیستی در اثر رشد ناهمگون کشورهای امپریالیستی، ابتدا در چند و یا حتی در یک کشور جداگانه امکان پذیر است. این استنتاج را که لنین در آثار خود، «در باره شعار ایالات متحده اروپا» و «برنامه نظامی انقلاب پرولتری» مستدل ساخت و اثبات کرد، ارزشمندترین ارمغان ایدئولوژیکی- نظری بود که او بر گنجینه غنی مارکسیسم- لنینیسم افزود و نقش بزرگی در فعالیت عملی حزب در دوره تدارک و انجام انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی ایفاء کرد.

تعالیم لنین در باره ضعیف ترین حلقه در زنجیره کشورهای امپریالیستی، که پاره کردن آن می تواند به همه حلقه های زنجیر توسعه یابد، مهمترین افزوده او به مسائل تاکتیکی مبارزه انقلابی بود. روسیه در جریان جنگ جهانی اول به چنین حلقه ضعیف در زنجیره امپریالیسم تبدیل شد. روسیه زادگاه لنینیسم است. در جریان تمام حوادث، طبقه کارگر روسیه در پیشاپیش مبارزان نوسازی جهان به حرکت در آمد، پیش از همه سرمایه داری را در میهن خویش برانداخت و راه آزادی از چنگال آن جانور وحشی، سرمایه داری را که «زمین را بخون آغشت، بشریت را بدامن گرسنگی و توحش سوق داد و مثل هر وحشی دهشتناک در آستانه مرگ گریزناپذیر و عنقریب، دیوانه وار حمله می کند، به زحمتکشانش دیگر کشورها نشان داد» (مجموعه کامل آثار، جلد ۳۶، ص. ۴۷۸).

حزب بلشویکها زیر رهبری ولادیمیر ایلیچ لنین راه پر افتخار شکل گیری خود را طی کرد و نقش پیشآهنگی طبقه کارگر و توده های زحمتکش روسیه تزاری کثیرالمثله را بر عهده گرفت. حزب لنینی با شرکت فعالانه در کنار توده های پرولتری در دو انقلاب، انقلاب سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۷ و انقلاب بورژوا-دمکراتیک فوریه سال ۱۹۱۷ روسیه، تجارب ضروری مبارزات انقلابی خود را غنا بخشید. در فاصله فوریه تا اکتبر سال ۱۹۱۷، حزب سوسیال-دمکرات سراسری روسیه (بلشویک) به سرپرستی لنین با جلب توده ها به سوی خود، انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را که در اثر آن حاکمیت بورژوازی و مالکان سرنگون و حاکمیت شوراهای کارگران- دهقانان (دیکتاتوری پرولتاریا) برقرار گردید، بسوی پیروزی رهبری نمود.

کارگران و دهقانان کشور شوراها در زیر رهبری حزب لنینی، واحدهای ارتش سرخ کارگران-دهقانان ضربات خردکننده ای بر ارتش طبقات استثمارگر، زمینداران و سرمایه داران و ارتشهای اشغالگر ۱۴ کشور امپریالیستی وارد کردند. لنین تأکید می نمود که هیچ وقت نمی توان بر خلق، بر کارگران و دهقانان که به تجربه خود ماهیت حاکمیت شوراها را درک و احساس می کنند، غلبه کرد.

موقعیت نظامی- سیاسی جمهوریهای شوروی، در کوران جنگهای داخلی تحکیم یافت و سازماندهی اقتصادی آنها آغاز گردید. در ماه دسامبر سال ۱۹۲۲، در اولین کنگره سراسری شوراها، که در زیر رهبری ولادیمیر ایلیچ لنین و یوسف استالین برگزار شد، تشکیل اولین کشور

کثیر الملله کارگری و دهقانی جهان- اتحاد جمهوریهای سوسیالیستی شوروی اعلام شد. اتحاد جمهوریهای سوسیالیستی شوروی بر مبنای اصول لنینی سیاست ملی، بمفهوم برابری همه خلقها و ملتها، اتحاد داوطلبانه جمهوریها، حق تعیین سرنوشت تا جدائی کامل بنیان نهاده شد. با این همه، لنین ضمن تکیه بر تقدم مسائل طبقاتی بر مسائل ملی و ضرورت توجه به حق تعیین سرنوشت ملی تا جدائی کامل از دولت کثیرالملله کارگری- دهقانی، بر حرکت از مبداء منافع بنیادی طبقه کارگر و توده های زحمتکش تأکید می کرد.

پس از جنگ جهانی اول و هفت سال جنگهای داخلی، جمهوریهای جوان شوروی به ویرانه تبدیل شده بودند. بازسازی موفقیت آمیز اقتصاد ملی و گذار به راه مسالمت آمیز ساختمان سوسیالیسم، تحکیم وحدت بین طبقه کارگر شهری و دهقان زحمتکش روستا- منشاء دیکتاتوری پرولتاریا- الزامی بود.

ولادیمیر لنین اصول سیاست اقتصادی جدید (NEP) را تنظیم نمود و کنگره دهم حزب (سال ۱۹۲۱) آن را تصویب کرد. لنین و حزب، بسیار خوب درک می کردند که با اجرای سیاست اقتصادی جدید، عناصر سرمایه داری جان می گیرند ولی، حزب آگاهانه و با حفظ و اعمال نظارت دولت دیکتاتوری پرولتاریا بر عرصه های استراتژیک، بانکها و تجارت خارجی، به این عقب نشینی تن در دادند. بطوریکه بعد از یک سال، در کنگره یازدهم حزب (سال ۱۹۲۲) ولادیمیر ایلیچ لنین اعلام کرد: «**ما یک سال گذشت کردیم، کافیسست؛ عقب نشینی تمام شد، زمان پیشروی فرارسیده است.**»

پس از بازسازی اقتصاد ملی و تحکیم رشته های پیوند میان طبقه کارگر و دهقانان در مرحله اول سیاست اقتصادی جدید، وظیفه مهم سازماندهی سازندگی سوسیالیستی در برابر حزب قرار گرفت. لنین در آخرین مقالات و نوشتارهای خود برنامه عظیم تبدیل اقتصاد عقب مانده روسیه به قدرت پیشرو سوسیالیستی را تنظیم کرد. لنین، صنعتی کردن کشور و توسعه همه جانبه صنایع سنگین، الکتروفیکاسیون همه عرصه های اقتصاد ملی، تعاونی کردن کشاورزی در اوایل شروع سوسیالیستی و اجرای انقلاب فرهنگی را بمتابجه وظیفه اصلی حزب و مردم تعیین کرد. نظریه لنین در باره اینکه روسیه از همه امکانات ضروری برای ساختن یک جامعه کامل سوسیالیستی برخوردار است، اهمیت فوق العاده ای در روند پیگیری ساختمان سوسیالیسم در میهن ما داشت. ۲۱ ژانویه سال ۱۹۲۴، در پی بیماری سخت و طولانی، قلب ولادیمیر ایلیچ لنین از حرکت باز ایستاد.

پس از مرگ ولادیمیر ایلیچ لنین، ساختمان سوسیالیسم را جانشین و شاگرد وفادارش ی. و. استالین، طبق برنامه تنظیمی او ادامه داد.

حزب کمونیست سراسری شوروی (بلشویک) در زیر پرچم لنین و برهبری استالین، صنعتی کردن کشور، تعاونی کردن کشاورزی و انقلاب فرهنگی را تحقق بخشید.

ساختمان سوسیالیسم در جریان مبارزه شدید طبقاتی، که لنین در باره سختی های سازندگی جامعه نوین بسیار نوشته بود، ادامه یافت. لنین تأکید می کرد: «**دیکتاتوری پرولتاریا، یعنی مبارزه بی امان، خونین و بی خون، خشن و مسالمت آمیز، نظامی و اقتصادی، تربیتی و مدیریتی بر علیه نیروها و گرایشات جامعه کهنه**» (مجموعه کامل آثار، جلد ۴۱، ص. ۲۷).

در اواسط سالهای دهه سی، سوسیالیسم در کشور ما پیروز شد. حق مالکیت بر ابزار و وسایل تولید لغو و دو شکل مالکیت جمعی؛ دولتی (همه خلقی) و تعاونی- جمعی بر آنها برسمیت شناخته شد.

بقایای طبقات استثمارگر نیز لغو و به استثمار انسان از انسان پایان داده شد. بیسوادی عمومی از میان رفت؛ نظام آموزشی، علم و فرهنگ- بلحاظ شکل، ملی و بلحاظ محتوا، سوسیالیستی، با موفقیت توسعه یافت.

به نابرابریهای ملی پایان داده شد و دوستی و برادری خلقهای اتحاد جمهوریهای سوسیالیستی شوروی تحکیم یافت.

اتحاد شوروی از نظر توان اقتصادی خود به جایگاه دوم در جهان و جایگاه اول در اروپا ارتقاء یافت.

دستاوردهای خلقهای اتحاد شوروی در پنجم دسامبر سال ۱۹۳۶ در قانون اساسی سوسیالیسم پیروز- قانون اساسی استالینی انعکاس یافت.

اقتصاد برنامه ریزی شده سوسیالیستی، پیشروترین ساختار اجتماعی، وحدت خلل ناپذیر حزب و مردم، دوستی و برادری خلقهای اتحاد شوروی، وحدت جبهه و پشت جبهه، قهرمانی های جمعی ارتشیان اتحاد شوروی در جبهه ها و پارتیزانها در پشت جبهه دشمن، برتری علوم نظامی اتحاد شوروی بر مکتب نظامی پرتعریف پروس، مهمترین عوامل پیروزی خلقهای اتحاد شوروی در جنگ کبیر میهنی بر فاشیسم آلمان بودند. نقش رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی (بلشویک) و در رأس آن، یوسف ویساریونویچ استالین، عامل تعیین کننده در این پیروزی عظیم بود.

کشور ما ضمن دفاع از دستاوردهای سوسیالیسم و آزادی خلقهای اروپا از بردگی فاشیسم، در کوتاهترین مدت زخمهای ناشی از جنگ را التیام بخشید و با جدیت در راه پیشروی به سوی قله های نوین رشد اجتماعی- اقتصادی گام نهاد و افق گذار تدریجی به سوی ایجاد جامعه کمونیستی را روشن ساخت.

در هم کوبیدن فاشیسم و میلیتاریسم ژاپن زمینه مساعدی برای پیروزی انقلابهای دمکراتیک- ملی در کشورهای اروپای شرقی و همچنین، انقلابهای رهائیبخش ملی در کره، چین، ویتنام و لائوس فراهم ساخت. در سالهای پایانی دهه پنجاه، انقلاب کوبا به پیروزی رسید. نظام توانمند سوسیالیستی تشکیل یافت و با گسترش و تحکیم حوزه تأثیر خود در جهان، عرصه نفوذ امپریالیسم را تنگتر ساخت و راه آزادی از بردگی امپریالیسم، آزادی از قید و بند ستم و استثمار را به خلقهای جهان نشان داد.

شکست موقتی سوسیالیسم در اتحاد شوروی، کشورهای اروپای شرقی و تجزیه جمهوریهای متحد سوسیالیستی شوروی موجب تقسیم مجدد نیروها در جهان به نفع امپریالیسم و ارتجاع گردید. نظم پس از جنگ جهان، در هم ریخت. نیروهای ارتجاعی و نظامی در سیمای آمریکا، بمثابه تنها ابرقدرت و متحدان آن در پیمان ناتو، از نو در پیش صحنه تاریخ پدیدار شدند. ارتجاع امپریالیستی غالب آمد. نظریه پردازان امپریالیسم از پیروزی قطعی بر کمونیسم که آنها سعی کردند بعنوان زیگزاگ تاریخ تعریف کنند، زیاده از حد سخنها گفتند.

اما قوانین تاریخ بیرحم اند.

بحران جهانی مالی- اقتصادی کنونی، ناپایداری نظام امپریالیستی و جنبه های متناقض آن را برملا ساخت. در «مانیفست حزب کمونیست»، اولین اثر علمی مارکسیسم، کارل مارکس و فریدریک انگلس تناقضات بین نیروهای مولده معاصر و مناسبات تولیدی موجود بورژوازی را که مانع تکامل نیروهای مولده هستند، نشان دادند. در نتیجه، بحران که «بطور متناوب بروز می کند، رفته- رفته موجودیت همه جامعه بورژوائی را پشت علامت سؤال هر چه بزرگتر قرار می دهد».

اهمیت اثر ارزشمند لنین «امپریالیسم بمثابه بالاترین مرحله سرمایه داری» هیچگاه مثل امروز روشن نبوده است. او در این اثر، چگونگی رشد سرمایه داری به مرحله امپریالیستی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و خصلتهای اصلی آن را ترسیم کرده است:

«امپریالیسم بمعنی آن مرحله از رشد سرمایه داری است که در آن سلطه انحصارات و اقتصاد مالی، اهمیت بزرگی در صدور سرمایه کسب کرد، تقسیم جهان بین تراستها آغاز شد و کشورهای بزرگ امپریالیستی تقسیم تمام جهان را به پایان رساندند» (مجموعه کامل آثار، جلد ۲۷، ص. ۳۸۷).

«امپریالیسم بنا به ماهیت اقتصادی خود، بمعنی سرمایه داری انحصاری است» (همانجا، ص. ۴۲۰)، اما «ویژگیهای سیاسی امپریالیسم عبارت است از ارتجاع در تمام خطوط و تشدید ستم ملی در همپیوندی با استبداد سرمایه الیگارشوی و پایان دادن به رقابت آزاد» (همانجا، ص. ۴۰۸).

**«سرمایه داری به سیستم جهانی ستم استعماری و به مشت کوبنده مالی کشورهای «پیشرو» بر علیه اکثریت عظیم ساکنان زمین فرارونید»** (همانجا، ص. ۳۰۵).

ولادیمیر ایلیچ لنین ثابت می کند که نبردها برای تقسیم و تقسیم مجدد جهان و جنگها، علائم مشخصه انکار ناپذیر امپریالیسم هستند. او تأکید می کند، که اتحادها بین کشورهای امپریالیستی، صرفنظر از اینکه به چه شکلی صورت گرفته باشد، جنگها را «تدارک می بینند» و به سهم خود از جنگها حاصل می شوند، با ایجاد تغییراتی در شکل مسالمت آمیز و یا غیرمسالمت آمیز مبارزه بر اساس یکی و به همان سبب مناسبات بین امپریالیستی و روابط متقابل اقتصاد و سیاست جهانی، همدیگر را موجب می شوند (همانجا، ص. ۴۱۷-۴۱۸).

ولادیمیر لنین استدلال می کند که انحصارات یعنی، « گذار از سرمایه داری به مرحله بالاتر ساختار اجتماعی-اقتصادی» (همانجا، ص. ۴۲۰-۴۲۱). انحصار منجر به تمرکز عظیم تولید و سازماندهی منظم آن در چهارچوب کمپانی های انحصاری جداگانه در مقیاس جهانی منجر می گردد.

**«امپریالیسم بمعنی آغاز انقلاب اجتماعی پرولتاریاست»** (همانجا، ص. ۳۰۸).

امپریالیسم بشریت را با خطر نابودی مواجه ساخته است. سوسیالیسم، تنها راه رهایی از این خطر است. **«در خارج از سوسیالیسم، بشریت نمی تواند از جنگها، از گرسنگی، از هلاکت میلیونها و میلیونها انسان رهایی یابد»** (مجموعه کامل آثار، جلد ۳۱، ص. ۱۳۰).

حوادث قرن بیستم، تحلیل لنین در باره امپریالیسم را کاملاً به اثبات رساند. لنینیسم- یعنی نظریه جهانشمول انترناسیونالیستی، یعنی متدولوژی تئوری و اقدام انقلابی در مبارزه پرولتاریا بر علیه استبداد امپریالیستی، پیکار در راه شکستن سیستم دولتی امپریالیسم گنبدیده، غیرانسانی و میلیتاریزه شده؛ یعنی مبارزه در راه پیروزی دیکتاتوری پرولتاریا و برقراری سوسیالیسم در سراسر جهان.

رستاخیز جنبش جهانی کمونیستی، رهایی از اپورتونیزم کنونی و خروج از وضعیت بحرانی عمیق، تحکیم رابطه جنبش جهانی کمونیستی با طبقه کارگر و همه زحمتکشان، ارتقاء مجدد آن به مقام پیشآهنگی در سیاست جهانی، تقویت طبقه کارگر جهانی بعنوان عمده ترین نیروی انقلابی معاصر، فقط با تکیه بر لنینیسم و بلشویسم امکان پذیر است.

رشد نیروهای مولده کنونی زمینه های مادی- تکنیکی نظام کمونیستی آینده را فراهم ساخته است. و، صرفنظر از تلاشهای امپریالیسم هار، واقعیتهای عینی از نزدیک شدن آن به پایان راه خود گواهی می دهند.

امواج اعتراضات مردمی بر علیه سیاستهای اشغالگرانه ایالات متحده آمریکا و پیمان ناتو در سراسر جهان هر روز ابعاد تازه ای بخود می گیرد.

جنبش کارگری، بمثابه گورکن امپریالیسم جهانی، دو باره بر می خیزد.

**«کارگران آهسته ولی پیوسته با کمونیستها، با بلشویکها و با تاکتیک، به سوی انقلاب پرولتری، که تنها آن قادر است بشریت و تمدن بشری از خطر نابودی برهاند، پیش می روند»** (مجموعه کامل آثار، جلد ۳۷، ص. ۶۴).

موج سوم انقلابات پرولتری که بی تردید به موجودیت امپریالیسم پوسیده و طفیلی در روی زمین پایان خواهد داد، با شدت آغاز می شود.

**ولادیمیر ایلیچ لنین: «بلشویسم جهانی بر بورژوازی جهانی پیروز خواهد شد».**

**حزب کمونیست سراسری اتحاد شوروی (بلشویک)**